

سخنرانی چریک فدائی خلق
رفیق اشرف دھقانی

میتینگ مہاباد

درود . درود به تمام خلقهای مبارز ایران ؛ بویژه خلق
قهرمان کردستان ؛ با کدام کلام به این همه مهر و شور و علاقه
شما جواب بدهم ، اصولاً با کلمات نمیشود ، این کار را کرد و
من فقط يك چیز را در پیشگاه شما وعده می‌کنم و آن اینکه تن
و جان من همواره در راه انقلاب خواهد بود . من این تن و جان
را به تمام خلقهای مبارز ایران و به انقلاب‌رهایی بخش میهنمان
تقدیم می‌کنم .

من خوب می‌دانم این همه مهر و این همه محبت نه برای
سپاس از تنها من ، بلکه برای ارج گذاری به نفس صداقت
انقلابی ، به نفس مبارزه انقلابی و به نفس خستگی ناپذیری و
استواری در مبارزه است . از این رو این محبت شما نثار همه
چریکهای فدائی خلق باد . چریکهای فدائی خلق چه آنهایی که
شهید شدند و چه آنهایی که امروز قاطعانه در راه رهایی خلق خویش
آماده هرگونه جانبازی و فداکاری هستند . این محبت شما نثار
شهدای پاک‌باخته سیاه‌کل باد . (تنها ره‌رهایی ره سرخ فدائی*)
نه سال پیش در چنین روزی رفقای رزمنده ما فریاد
آزادیخواهی خود را با غرش مسلسل به گوش خلق رساندند و
امروز من می‌توانم بی‌واسطه و رویاروی با شما صحبت کنم .
امروز شهدا نیستند تا حاصل آن تلاشهای خود را ببینند و ببینند که
تلاشهای آنها چه ثمراتی داشته است . شهدای ما نبودند تا ببینند
که خلق دلیر ایران در ۲۱ و ۲۲ بهمن قیام نمودند و ندایی که
* جملات داخل پرانتز شعارهایی است که مردم در متینگ می‌دادند.

آنها از جنگل‌های سیاهکل سر داده بودند بر فریاد توده‌های خلق ما طنین افکند که فریاد میزدند: تنها ره رهایی جنگ مسلحانه (تنها ره رهایی جنگ مسلحانه) و یا می‌گفتند: ارتش خلقی بپا میکنیم، میهن خود را رها می‌کنیم (ارتش خلقی بپا میکنم، میهن خود را رها میکنیم) در راه پیروزی خلق خون شهدای فدائی با خون ۷۰ هزار شهید میهن درهم آمیخته شد و ۲۱ بهمن با ۱۹ بهمن پیوند خورد. رفقای ما که در ۱۹ بهمن سال ۴۹ حماسه سیاهکل را آفریدند از صمیمی‌ترین و صادق‌ترین یاران خلق و پاک‌ترین رهروان راه آزادی بودند. آنها برای هموار کردن راه مبارزه و راه پیروزی جان باختند.

اگر شهدا در میان ما نیستند داغ آنها بر دل ما نشسته است، داغی که گل میدهد و به جنگل کینه تبدیل میشود. شهدای ما، آنچه شهدای ما را در راهشان مصمم و استوار نگه میداشت و اجازه می‌داد جان بر کف پا به میدان مبارزه بگذارند، عشق به خلق و ایمان به پیروزی راهشان بود. آنها هیچ امیدی به جز این نداشتند که ادامه دهندگان راهشان آرزوهای آنها را تحقق بخشند.

پس بیایید از خود پرسیم ۱۹ بهمن چه روزی بود؟

۱۹ بهمن سالروز آغاز مبارزه مسلحانه در ایران است.

۹ سال پیش در چنین روزی رفقای ما که امروز بسیاری از مردم آنها را می‌شناسند، یعنی چریک‌های فدائی خلق؛ با حمله به پاسگاه سیاهکل به دشمن اصلی خود یعنی امپریالیسم و نوکردست نشانده‌اش شاه خائن اعلان جنگ کردند. از آن روز تا کنون ۹ سال گذشته است. رفقای ما اعتقاد داشتند که سلطه امپریالیسم را فقط با مبارزه مسلحانه میشود برانداخت.

به نظر چریک‌های فدائی خلق برای رسیدن به ایرانی آباد

و آزاد ، به ایرانی دمکراتیک به ایرانی که خود مردم سرنوشت خویش را به دست داشته باشند ، تنها راه ، مبارزه مسلحانه است . این حکم را تاریخ ثابت کرده است . به انقلاب همه کشورها نگاه کنید ، به انقلاب‌هایی که در آسیا بوقوع پیوست ، به انقلاب‌هایی که در آفریقا رخ داده ، به انقلاب‌هایی که در امریکای لاتین بوجود آمده . همه جا می‌بینیم که بیرون راندن امپریالیسم جز از طریق مبارزه مسلحانه ممکن نبوده است .

رفقای ما نیز با این اعتقاد و با در نظر داشتن یک سری مسائل دیگر که جای طرح آنها اینجا نیست مبارزه مسلحانه را در ایران آغاز کردند . همه شما میدانید که در این راه چند صد نفر از رفقای ما که هر یک از بهترین فرزندان خلاق بودند ؛ شهید شدند . در آن شرایط سیاه و خفقان‌آور که مبارزه مسلحانه شروع شد ، مبارزات مردم ما با سرکوب دشمن مواجه بود و هر گونه اعتراض بر حق توده‌ها در نطفه خفه میشد . در چنین شرایطی جریاناتی که ادعای رهبری خلق را داشتند به دلیل اینکه راه مبارزه را نمی‌دانستند نتوانستند تأثیری بر اعتلای جنبش توده‌ها بجا گذارند و حزب توده که تا آن موقع بر جنبش چپ سلطه داشت به علت بینش انحرافی‌اش و به علت سیاست‌های سازشکارانه و به علت اینکه به منافع مردم ما و در رأس آن طبقه کارگر خیانت نمود ، باعث ضربه شدیدی به جنبش ضد امپریالیستی خلق ما گردید . اکثریت مردم دیگر اعتمادشان را به هر گونه رهبری از دست داده بودند و از مبارزه سرخورده شده بودند . اما انقلابیون مسلح ، هم چریک‌های فدائی خلق و هم مجاهدین خلق ایران این وضع را تغییر دادند . رفقای ما با نثار خون خود و بانشان دادن صداقت و ایمان انقلابی خود ثابت کردند کسانی خائنند که به دروغ نام خود را

که نیست گذاشته‌اند و الا کمونیستهای واقعی همواره آماده هر گونه جانبازی و فداکاری در راه خلق خویشند. شما دیدید بعد از آن چگونه توده‌های عظیم مردم از سازمان ما پشتیبانی کردند، شما دیدید چگونه توده‌ها رو به سازمان ما آوردند و اینها همه نتیجه زحمات رفقای شهید ما بود. حتماً خود شما شاهد بودید هنگامیکه مردم مورد هجوم نیروهای مزدور شاه قرار می‌گرفتند، می‌گفتند پس چریکها کجايند؟

این نشان میداد که مردم پيشاهنگان واقعی خود را شناخته و به آنها اعتماد پیدا کردند. شما دیدید در تظاهراتی که به اسم سازمان چ - ف - خ برگزار میشد، چه نیروهای عظیمی شرکت می‌کردند. ولی متأسفانه باید بگویم سازمانی که با خون پرورده شد، خانه‌ای که با خون دل رفقای شهید ما پی افکنده شد، اکنون مدت زمانی است که کاشانه فرصت طلبان شده است و آنها در همان راهی قدم می‌گذارند که «توده‌ای‌ها» قبلاً قدم گذاشته بودند. آنها آگاهانه و عمدتاً می‌خواهند سیاستها و اهداف انحرافی خود را زیر پوشش نام پرافتخار فدائی به پیش ببرند. آنها در حین آنکه تمام کوشش‌شان برای از بین بردن اعتبار چریکهای فدائی خلق است، هنوز از این نام دست برنمی‌دارند. من نمی‌خواهم وارد جزئیات شوم فقط يك چیز را می‌گویم همان طور که می‌دانید من یکی از اعضای چریکهای فدائی خلق ایران هستم، ولی هم دشمن و هم این نیروی فرصت طلب سعی میکنند موضوع را طور دیگر جلوه دهند، آنها نمی‌خواهند بوجود چریکهای فدائی خلق اعتراف کنند بلکه اسم مرا مدام تکرار می‌کنند. شما خودتان می‌توانید در همین کردستان شاهد این امر باشید که آنها چگونه آبروی فدائی را می‌برند و چگونه خون

شهدای پاکباخته ما را به هدر می‌دهند .

در همان اوایل قیام ، مردم دلیر کردستان با شوری بی‌پایان رو به سازمان ما آوردند و از آن حمایت بی‌دریغ کردند و دیری نگذشت که مردم متوجه شدند که همان چریکهای فدائی خلق نیستند . این کسانی که نام سازمان ما را با فریب افکار مردم غصب کرده‌اند در شرایطی که مردم کرد ، از زن و بچه ، پیر و جوان زیر حمله‌های توپ و تانک دشمن قرار داشتند ، به جایی اینکه امکانات سازمان را برای کمک و یاری به خلق کرد بکار گیرند به رفتاری کج دار و مریض دست زدند و کار را به جای رساندند که اکنون در کردستان سازمان دارد به شدت پایگاه خود را از دست می‌دهد .

به هر حال خواستم شما بدانید که چریکهای فدائی خلق را با اینها که نام سازمان ما را بر روی خود گذاشته‌اند و بدروغ و ریا می‌خواهند آبروی فدائی را ببرند اشتباه نگیرید .

به هر حال می‌گفتم که توده‌های عظیم خلق چه حمایتی از سازمان ما کردند . آگاه‌ترین و صادق‌ترین کارگران رو به سازمان ما آوردند . در دورافتاده‌ترین دهات نام چریک فدائی را میدانستند و اینها همه نتیجه زحمات و فداکاریهای رفقای شهید بود . آنها برای اینکه چنین روزی را ببینند ، برای اینکه با خلق خویش ارتباط بگیرند ، فداکاریهای زیاد کردند و از نثار جان خود نیز دریغ نورزیدند . شما هر چند دیدید آن اوایل حتی آخوندها هم برای بسیج مردم از قهرمانیهای چریکها صحبت میکردند ، ولی بعد از آن طوری شد که در این مملکت نام چریک فدائی را بردن گناه است .

آنقدر حتی از نام فدائی وحشت دارند که نام يك خيابان

كوچك را كه فدائی گذاشته بودند تغییر دادند و کردند دهکده ،
آنقدر از انقلابیون وحشت دارند که حتی نام پارکی را که اسمش
را مردم گذاشته بودند گلسرخي عوض کردند و گذاشتند لاله ؛ گفتم
وحشت دارند و این وحشت از ماهیت طبقاتی آنها برمیخیزد ؛
آنها می ترسند این نامها در یاد توده بماند و بلایی شود به جان
آنها . ولی باز حماقت آنها در این است که فکر می کنند با این قبیل
کارها می توانند خاطرات انقلابیون را از اذهان توده ها دور بکنند ،
نه نمی توانند . هیچکس نمی تواند این کار را بکند .

چون آنها در خاطر تمام پدران و مادران ، در خاطر تمام
خواهران و برادران و در خاطر تمام توده های ستمکش خلق ما
جاوید است . اگر چه آنها زنده نیستند ، اگر چه آنها در میان
ما نیستند ، ولی راهشان زنده است و یادشان جاوید .

ما چریکهای فدائی خلق همانگونه که آنروزها همراهشان
بودیم و همراه رفقای شهید خود باخلق خویش پیمان بستیم ، هم
اکنون نیز بر سر پیمان خود هستیم و می گوئیم راهشان را ادامه
خواهیم داد . (چریك مسلح رزم تو پایدار)

ممکن است بعضی ها پرسند مگر راه آنها چیست که شما
می خواهید ادامه دهید ؟ مگر انقلاب تمام نشده است ؟ واقعاً چه
موقع می توانیم ، بگوئیم انقلاب تمام شده ؟ برای پاسخ به این
سؤال باید ببینیم چه طبقاتی در انقلاب شرکت کردند ؛ و آیا به
خواسته های خود رسیدند یا نه ؟

همانطور که می دانید در انقلاب ما این توده های مردم و
زحمتکش ترین آنها بودند که شرکت داشتند ، کارگران باخوابانیدن
کارخانه ها باعث تضعیف سرمایه داران وابسته شدند . همان هنگام
که جنبش انقلابی ما اوج میگرفت کارگران با اعتصابات پی در پی

سرمایه داران وابسته را به زانو در آوردند . حتی هنگامیکه حاکمین وقت از آن کسانی که فرار کرده بودند خواستند دو باره برگردند و سرمایه گذاری کنند و کارگران ما را با همان وضع سابق استثمار کنند ، آنها نپذیرفتند . این سرمایه داران وابسته فراری میگفتند با این کارگران پرود دیگر نمیشود کار کرد ، توجه کنید ! وقتی سرمایه دار میگوید کارگر پرود ! یعنی کارگر مبارز . به اصطلاح دیگر برایشان صرف نمی کرد .

بعد از آن ضربه اصلی را کارگران شرکت نفت زدند . خوب آنها در انقلاب شرکت کردند برای چه ؟ اگر یادتان باشد وقتی کارگران شرکت نفت به وساطت بازرگان و چند تایی دیگر تصمیم گرفتند شروع به تولید کنند در قطعه‌های که صادر کردند ، متذکر شدند که هر کس به حکومت می رسد باید حق طبقه کارگر را در نظر داشته باشد و اعلام کرده بودند که نمایندگان کارگران باید در شورای انقلاب حضور داشته باشند ؛ ولی آیا اکنون نمایندگان واقعی طبقه کارگر در شورای انقلاب حضور دارند ؟ اصلاً هیچیک از اعضای شورای انقلاب نماینده زحمتکشان و مدافع منافع آنها هستند ؟

کارگران در انقلاب شرکت کردند که وضع بهتری پیدا کنند ولی اکنون حدود ۳ میلیون بیکار داریم . در حالی که هم اکنون هم مثل زمان رژیم شاه خائن حقوق‌های چند ده هزار تومانی به سرسپردگان خود می دهند ، کارگران ما را برای تأمین بیمه بیکاری سر می دوانند .

کارگران در انقلاب شرکت کردند که از آن شرائط خفقان آور گذشته رها شوند ، اینها آمدند گفتند همان وضع سابق ،

همان حقوق و اگر صدایتان در بیاید و اعتراض کنید به نام ضد انقلاب خفه‌تان می‌کنیم .

خوب کارگران ما به هیچیک از خواسته‌های خود نرسیده‌اند. یادم هست یکی دو ماه پیش کارگری میگفت : هر وقت می‌رویم خواسته‌هایمان را برایشان می‌گوئیم ، می‌گویند صبر داشته باشید تحت بررسی است . هشت ماه است می‌رویم و خواسته‌هایمان را می‌گوئیم و می‌گویند تحت بررسی است ؛ این کارگر می‌گفت نمی‌دانم چرا شروع جنگ در کرستان بررسی نمی‌خواهد و بی‌معطلی و بلافاصله می‌توانند آنجا نیروی ارتشی و پاسدار پیاده کنند و دهکده‌ها را بمباران کنند .

آری وضع کارگران ما اینطوری باقیمانده . بدیهی است رژیم هر وقت رفت به آنها جواب بدهد با گلوله پاسخ گفت ؛ ... پس نمی‌توانیم بگوئیم کارگران به خواسته‌های خود رسیده‌اند . البته ممکن است امروز بسیاری از کارگران صبر و انتظار را پیشه کرده باشند و فکر کنند در آینده وضع بهتر خواهد شد ولی بنظر ما اینطور نیست . این رژیم به دلیل وابستگیش به امپریالیسم نه می‌خواهد و نه می‌تواند خواسته‌ها و مشکلات کارگران را حل بکند ؛ از این روست که می‌بینیم هر روز اعتراض کارگران بیشتر میشود ، مطمئناً بیشتر هم خواهد شد .

یا این توده‌های فقیر شهری مثل پیشه‌وران جز ؛ ده‌داران ، خرده فروشان صنف‌های گوناگون و بطور کلی تمام توده‌های خلقمان . مشکل‌ترین مسئله تورم و گرانیست ، که کمر همه را خورده کرده یا عوارض‌های گوناگون . نداشتن مسکن که به روی همه فشار می‌آورد . خوب دولت در این مورد چکار کرد ؟ هر سیاستی که دولت در مورد مسکن پیش گرفته به پیچیده شدن وضع انجامیده

و باعث کمبود خانه‌های استیجاری شده ، در حالی که این همه خانه خالی هست که مال سرمایه‌داران فراریست ، مال گردن کلفت‌هایی است که هر کدام صاحب شهرک هستند ، معذالك مردم هنوز از نداشتن خانه مناسب رنج می‌برند . تورم و گرانی هم که پیداد می‌کند . از بار عوارض‌های گوناگون هم که کم نشده ، حتی آمدند و گفتند پول آب و برق دوران مبارزه را هم باید بپردازید . خوب می‌بینید وضع هیچیک از طبقات خلق ما عوض نشده و در عوض يك عده از گردن کلفت‌ها و محترک‌ترین چاق و چاقتر می‌شوند و جیب‌هایشان را پر از پول می‌کنند .

از آن طرف روستائیان را در نظر بگیرید شما می‌دانید که سیاست‌های کشاورزی شاه خائن روستائیان را به خاک سیاه نشانده . بسیاری از دهقانان خانه و کاشانه خود را رها کرده و به سوی شهر آمده‌اند و با فقر و فلاکت بیحد زندگی بخور و نمیر خود ادامه می‌دهند ، آنهایی که در ده ماندند و به اصطلاح صاحب زمین شدند اسیر بانکها گشتند و هرچه در آوردند مجبور شدند بدهند به بانک ، غیر از آن می‌بایست عوارض آب بدهند و هزار و يك جور عوارض دیگر .

خوب این روستائیان ما که از ده بلند می‌شدند و می‌آمدند بشهر و در تظاهرات شرکت میکردند چه انتظار داشتند ؟ مگر غیر از این انتظار داشتند که دولت جدیدی که مستقر میشود ، بیاید دست تعدی دستگاه‌های دولتی را از سر آنها کوتاه کند . اصلاحات ارضی واقعی بکند ، دست زمینداران و فئودالها را از سر آنها کوتاه کند ، شر بانکها را بکند . در زمان رژیم شاه خائن هر وقت روستائیان ما در مقابل این وضع ایستادگی کردند ، ژاندارمها آمدند روستائیان را کشتند و به اصطلاح آنها را سر جایشان نشانند .

ولی این دولت چکار کرد؟ او هم آمد هر کجا دهقانان اعتراض کردند، او هم سرکوبشان کرد و هیچ توجهی به خواسته‌هایشان نکرد تا آنجا که اکنون يك وضع ناراحت‌کننده‌ای در بعضی روستاها بوجود آمده؛ عده‌ای که فکر می‌کردند انقلاب هیچ ثمره‌ای ندارد و وظیفه مبارزاتی خود را نمی‌دانستند، اینطور زمزمه می‌کنند که شاه بهتر بود. این وضع اگر ادامه پیدا کند خیلی خطرناک است، خیلی. این همه خون رفت، این همه مادر داغدار شد، این همه بچه بی‌پدر شد، که چی؟ که حکومت آنچنان کارهایی بکند که عده‌ای بگویند شاه جلاد، شاه‌اپست، بهتر بود. چرا اینطوری میشود؟ برای اینکه حاکمین وقت از اول دلسوز مردم نبوده‌اند و نیستند، آنها به جای اینکه در فکر مردم باشند به فکر آن هستند که چگونه می‌توانند منافع سرمایه‌داران وابسته را تأمین کنند، از همین روست که سعی می‌کنند وضع را در همین حالت که هست نگه دارند تا مردم فکر کنند که انقلاب هیچ ثمره‌ای ندارد و دیگر به فکر انقلاب نیافتند. ولی مردم ما خوب می‌دانند وقتی هیچکس هیچ کدام از طبقات به خواسته‌هایشان نرسیده‌اند نمی‌توان گفت انقلاب تمام شده است.

حالا من در مورد اینکه چگونه می‌توان انقلاب را به بهروزی رساند صحبت خواهم کرد ولی در ادامه صحبت‌هایم باید از چیزهای دیگر هم سخن بگویم. از وقتی که حاکمین فعلی سرکار آمده‌اند یکسری آدمهای مشکوک، یکسری آدمهای شناخته شده، یکسری از سرسپردگان رژیم سابق و امپریالیست‌ها در این حکومت شرکت کردند. آمدند تیمسارهای شاه‌خائن را کردند فرمانده قوا، وزیر دفاع، فرمانده نیروی دریایی، استاندار فلان جا. اغلب کارمندان سطح بالا را می‌بینیم که هر يك به نحوی وابسته به

نیروهای خارجی یعنی امپریالیستها هستند . مثلاً این آقای چمران (مرگش باد . مرگ برچمران) مرگ برچمران ، چمران را اول کردند معاون نخست وزیر بعد آمد کردستان را سرکوب کرد و به پاس همین آدمکشی اینبار او را کردند وزیر دفاع و واقعاً هم نشان داد برای چنین دولت جنایتکاری وزیر دفاع خوبی می تواند باشد . (مرگش باد ، مرگش باد) . راستی او این سالها که در ایران نبود کجا بود ؟ بسیاری می دانند در خدمت اربابان امپریالیستش بود . او این چمران جلاد خالق در سرکوبی جنبش فلسطین هم شرکت داشت او در جنایات تل زعتر که بی شک یکی از فجیع ترین جنایتهای مزدوران امپریالیسم و یکی از قهرمانانه ترین نبردهای خلق رزمنده فلسطین است شرکت داشت .

واقعاً اگر انقلاب با پیروزشده بود چنین افرادی می توانستند سرکار باشند ؟ مدت کوتاهی بعد از سرکار آمدن حاکمین وقت و دولت بازرگان ما « چریکهای فدائی خلق » فریاد زدیم که این حکومت آستان بوس سرمایه داران وابسته است ؛ ما گفتیم که سازش صورت گرفته چون می دیدیم این حاکمین نه تنها از طریق نیرنگ در لباس دوست مردم از گسترش مبارزه جلوگیری می کردند ، بلکه بعد از سرکار آمدن هم تمام تلاششان برای بازسازی ضربه هایی است که خلق قهرمانان در جریان قیام به منافع امپریالیستها زده است ، بخصوص که آنها ارتش ضد خلقی و مزدور شاهنشاهی را فوری سروسامان دادند و برای یورش به خلق آماده اش کردند . اسمش را هم گذاشتند ارتش جمهوری اسلامی . (ارتش امریکائی نابود باید گردد) اگر واقعاً به عملکردهای این حکومت نگاه کنیم می بینیم هیچ فرقی با عملکردهای رژیم سابق در مورد مردم ندارد . جمهوری اسلامی همان رژیم سابق است ، منتها با شکل و شمایل

دیگر . البته باید يك چیز را در نظر داشت و آن اینكه نحوه سرکار آمدن اینها با رژیم شاه خیلی فرق دارد. شاه را امریکاییها و انگلیسیها آوردند و گذاشتند سرکار و امریکا بعد از فرار شاه در سال ۳۲ خیلی پول خرج کرد تا دوباره توانست شاه را به ایران برگرداند ولی اینها بخاطر قیام مردم و بخاطر سوء استفاده از اعتماد مردم در موقعیتی قرار داشتند که رفتند و نشستند پای میز مذاکره و با امریکا سازش کردند و بالاخره با بده و بستانهایی امریکا موافقت کرد اینها سرکار بیایند چون میدانست یعنی مطمئن شده بود که اینها از سرمایه‌های امریکایی بطور کلی از سرمایه‌های امپریالیستی در مقابل یورش خلق حفاظت خواهند کرد. یعنی مأموریت اجرای سیاستهای امپریالیستی در رژیم گذشته به عهده کراواتی‌ها و یقه‌آهاری‌ها بود. امروز عبا بدوشان و ریش‌رها کردگان مجری‌امور شده‌اند. واقعاً هم شاید هیچ چیز دیگری بجز همین لباس و شکل و ظاهر نمی‌توانست خلق ما را فریب دهد و آن موج عظیم مبارزه را بخواباند ، ولی اینها هر قدر بخواهند خود را دوستدار مردم جلوه بدهند ولی باز هم دم خروس از زیر عبایشان پیدا است و مردم هم آنرا خوب می‌بینند . مردم وضع گذشته‌شان را با امروز مقایسه می‌کنند می‌بینند تغییر نکرده . بنابراین شما اگر توجه کنید می‌بینید هیچیک از طبقات خلق ما به خواسته‌های خود نرسیده‌اند و هیچکس نمی‌تواند بگوید انقلاب به پیروزی رسیده است . از این رو است که می‌بینیم باز هم باید مصمم‌تر و استوارتر از گذشته همه با هم مبارزه را تا رسیدن به پیروزی ادامه دهیم . حال من در مورد مسائلی دیگر صحبت می‌کنم که این موضوع را ثابت کند .

یکی از مسائل مهم انقلاب ، مسئله خلقهاست ، خلقهای ایران زیر یوغ رژیم محمد رضا شاه ستم‌های زیادی دیده‌اند .

رژیم شاه برای تأمین منافع امپریالیستها لازم میدید که خلقهای ما را در عقب ماندگی اقتصادی نگه دارد و آنها را سرکوب اقتصادی کند و این سرکوب اقتصادی به دنبال خود، سرکوب فرهنگ، سرکوب سنتهای مردم و حقیر شمردن زبان آنها را در پی می داشت؛ چرا که خلقها می بایست برای رهایی از ستم با استفاده از فرهنگ و سنتهای مبارزاتی خود به مبارزه برخیزند و بازبانهای مختلف خود دردها و آلام زندگی را بیان کنند و راه رهایی از آن را بیان کنند. درست به همین دلیل بود که رژیم در مدارس در ادارات در همه جا سعی می کرد فقط به زبان فارسی صحبت شود. مثلاً خلق کرد را در نظر بگیریم، این خلق از لحاظهای بسیاری زیر ستم قرار داشته و دارد؛ به خلق اجازه داده نمی شود زبان خود را مورد استفاده قرار دهد. تحت ستم ملی نه میتواند آزادانه از لباس خود استفاده کند و نه امکان آنرا می یابد که فرهنگ مبارزاتی خود را غنا بخشد، حتی تبلیغات ضد ملی زورگویان این خلق را از لحاظ داشتن مذهب تسنن هم تحت حقارت قرار میدهد.

یا خلق آذربایجان، این خلق هم با وجود آن فرهنگ غنی مبارزاتیش تحت ستم ملی است. ولی ما همه ایرانی هستیم و همه می خواهیم کنار هم زندگی کنیم. بنا بر این همه ملتها با هم برابرند. فرق نمی کنند، کرد با فارس فرق نمیکند، ترک با عرب، عرب با بلوچ؛ بلوچ با ترکمن، لر با دیگران و بطور کلی هیچ خلقی با خلق دیگر فرق ندارد و اگر خلقهای ایران دست به دست هم بدهند و دیگر سرمایه داران وابسته و مرتجعین نباشند همه ما می توانیم برادروار در کنار هم زندگی کنیم. ولی عوامل امپریالیسم و مرتجعین ترک، کرد، فارس، عرب و بلوچ و غیره سعی می کنند طبقات محروم ملت خود را تحت ستم قرار دهند و حقوق طبیعی و حق

آنها را پایمال کنند. اگر انقلاب ما پیروز شده بود، يك حکومتی که انقلابی بود می آمد و حقوق طبیعی خلقهای ما را برسمیت می شناخت و دیگر مثل این حکومت اینهمه کشت و کشتار راه نمی انداخت.

شما خوب می دانید که این حکومت با خالق ترکمن چه کرده است، علناً و رسماً از مرتجعین و زمینداران بزرگ حمایت کرد، عمال آنها حتی خرمن ها را هم آتش زدند. يك موضوع را هم باید در اینجا بگویم و آن اینکه حکومت ظاهراً از آزادی زبان صحبت می کند ولی باید هوشیار بود و فریب اینها را نخورد. مشکل خلقهای ما صرفاً زبان نیست اگر همه ستمهای اقتصادی که به خلقها روا میشود سر جای خود باقی بماند و صرفاً در محدوده همان فرهنگ تحمیلی و استعماری به خلقها اجازه صحبت کردن به زبان خود را بدهند مسئله ای حل نمیشود، اگر ما از آزادی زبان صحبت می کنیم منظور اینست که خلقها بتوانند با زبان خود مسائل و مشکلات خود را آزادانه بیان کنند، بتوانند زبان خود را در خدمت فرهنگ انقلابی خود بکار گیرند و بتوانند علیه هرگونه زور و ستم ابا بیان کردن دردها و مشکلات خود و پیدا کردن راه حل آن مبارزه کنند. ولی حکومتی که قادر نیست یوغ بندگی از گردن خانها بفتد، چه آزادی زبانی میتواند برای خلقها قائل شود. برای اینکه صحبت ها طولانی نشود من از مسائل دیگر که این حکومت انجام داده و بیان گرانست که این حکومت وابسته به امپریالیسم است صحبت نمی کنم، مثلاً از کارهایی که از برای محدود کردن آزاد، های دمکراتیک انجام داد و با اقداماتی که برای تحکیم روابط امپریالیستی به عمل آورد و همانطور که گفته شد فکر میکنم گوشه ای از کارنامه سیاه آنها را نشان میدهد ولی

آنها هنوز خود را خلقی میدانند و اینطور به مردم جاوه می دهند و اخیراً هم هیاووی مبارزه ضد امپریالیستی براه انداخته اند، آنها در جایی که توزیع خارجی در تمامی زندگی خاق خود را نشان میدهد، اشغال سفارت امریکا را به معنی مبارزه ضد امپریالیستی می بینند در حالیکه مبارزه ضد امپریالیستی تنها اشغال سفارت امریکا نیست، مبارزه ضد امپریالیستی یعنی اینکه در جهت خواسته های مردم اقدام بشود. مثلاً، يك اصلاحات ارضی واقعی می کردند، مثلاً زمین های کشاورزی زمینداران بزرگ را به دهقانان می سپردند و اداره تولید و مدیریت آنها را هم میدادند دست دهقانان و خودشان هم کمک می کردند تا بارآوری تولید بالا رود، آنوقت هم وضع دهقانان بهتر میشد و هم با بالا رفتن سطح تولید محتاج به امریکا نمی شایم.

در حالی که ما می بینیم اینها با تپ و تانک و تفنگ جاووی خواسته های ضد امپریالیستی مردم را میگیرند. هنوز که هنوز است حذف قراردادهای نظامی ایران و امریکا رسماً اعلام نشده است آقایانی که می خواهند با امریکا مبارزه کنند، هنوز که هنوز است حتی قراردادهای اقتصادی ظالمانه ای که رژیم شاه با امپریالیستها بسته بود افشا نمیکنند. چرا؟ راستی چرا؟ مگر اینها اینقدر به شاه فحش نمیدهند، فقط برای اینکه پای خودشان هم به میان می آید. مثلاً می گویند: توده ها را باید مسلح کرد و می آیند توده هایی را که مسلح هستند خلع سلاح میکنند، مثلاً، خاق کرد را که اصلاً می تواند برای خودش ارتش خلقی تشکیل دهد خلع سلاح می کنند. به هر حال همه این نکات نشان می دهد که ماهییم رژیم چیست. اینها از زمانی که سرکار آمده اند همواره کوششان بر این بوده که محیط آرامی برای خود بسازند و برای اینکه اینچنین محیطی بسازند به هر کاری تمسک جستنند، از فریب و نیرنگ

استفاده کردند، از سر کوب مسلحانه استفاده کردند اینها می خواهند محیط آرامی باشد تا بتوانند اختلافات درونی خود را حل کنند. ریشه اختلافاتی که خودشان با یکدیگر دارند در گذشته است. در واقع اختلاف بین سرمایه داران وابسته است، اینها هم سخنگویان شان هستند. اگر یادتان باشد زمان شاه نهانندی ها و بنی احمدها و پزشکپورها بودند که باهم درمی افتادند. امروز هم یکسری افراد دیگر، یعنی افراد دیگر، یعنی افراد عوض شده اند. ولی اختلافات بجا مانده. در واقع اکنون سیستم سرمایه داری وابسته در بن بستی گرفتار شده و اینها هر کدام می خواهند این سیستم را بنحوی که به نفع خودشان باشد از بن بست خلاص کنند. در این جاست که اختلافات رشد کرد می دانید چرا؟ برای اینکه مبارزات مردم رشد کرد. برای اینکه مردم ما فریب ارتجاع را نخوردند و صبر و انتظار بیهوده را در پیش نگرفتند.

همانطور که گفتم اختلاف سرمایه داران وابسته در این است که هر کدام سعی می کنند با سیاستهای خاص خود این سیستم را از بن بست خلاصی دهند در این راه کوشش می کنند مردم نا آگاه هر چه بیشتری را به طرف خود بکشانند چون هر کدام که موفق شوند خواهند توانست مردم ما را بیشتر سر کوب کنند و به نفع خودشان تمام شود اینجاست که آنها سعی می کنند سند خیانت یکدیگر را رو کنند هر کدام بیشتر رو کرد بتصور آنها مردم بیشتر به طرف او خواهند رفت ولی مردم ما می دانند این سرمایه داران وابسته، این زالو صفقان، این کسانی که پای خارجیان را به ایران باز کردند و خودشان در کنار امپریالیستها خلق ما را غارت می کنند، همه اینها فقط در یک چیز مشترکند، هر چقدر هم با هم اختلاف داشته باشند و آن سر کوب مبارزات توده هاست و آن اینکه نگذارند مردم به

خواسته‌های برحق خویش برسند. در مورد تظاهراتی که رژیم جلوی
 سفارت امریکا براه می‌اندازد باید بگویم در اینجا هم چنان ضد
 امپریالیست هستند که شعارهای بی‌محتوای حکومت را به شعارهای
 واقعاً ضد امپریالیستی تبدیل می‌کنند؛ درست است که حکومت
 آنها را به خیابان می‌کشاند ولی مردم ما بخاطر نفرت و کینه شدید-
 شان به امپریالیسم امریکا است که به خیابان می‌آیند این امر بسیار
 باید مورد توجه ما باشد. به هر حال خلاصه کنم تا وقتی که کارگران
 دهقانان و تمام توده‌های ستم‌کش خلقمان به خواسته‌های خود نرسند،
 تا زمانیکه روابط کشور ما با کشور امپریالیستی از بیخ و بن دگرگون
 نشود؛ تا زمانیکه مناسبات درونی کشورمان از اساس عوض نشود
 و در درجه نخست این را همواره پیاد داشته باشید تا زمانیکه
 ارتش ضد خلقی و مزدور کاملاً متلاشی نشود و جای آنرا ارتش
 خلقی نگیرد نمی‌توانیم بگوئیم انقلاب به پیروزی رسیده است.
 به هر حال من باید يك موضوع را بوضوح برای شما بیان کنم و
 آن اینکه خلق ما علی‌رغم آن همه فداکاری و ازجان‌گذشتگی و
 علی‌رغم آن قیام با عظمتش در ۲۱ و ۲۲ بهمن در مبارزات گذشته
 شکست خورده است. این برای همه ما دردناک است و آیامیتوانیم
 بگوئیم مبارزات گذشته هیچ ثمره‌ای هم نداشته است؟ نه مسلماً
 نه، همه شما می‌دانید که در طی مبارزات گذشته آگاهی مردم ما چقدر
 بالا رفت. مردم به این رسیدند که رعب و وحشت از رژیم شاه
 چقدر نابجا بوده و دیدند هنگامی که خلق به مبارزه برمی‌خیزد
 هیچ کس را یارای مقاومت در مقابل آنها نیست. مردم دیدند
 هنگامیکه فرهنگ مبارزاتی جای فرهنگ امپریالیستی را بگیرد،
 مردم چه همبستگی و چه فداکاری از خود نشان میدهند و نتایج دیگر
 اینها مسائل کوچکی نیستند و اثرات خود را در زندگی آینده مردم

بجا خواهند گذاشت . هم اکنون هم مبارزاتی که در گوشه و کنار ایران وجود دارد ، خود بیانگر آنست که خلق ما دیگر راه پیروزی را یاد گرفته ، مثلاً مبارزاتی که در همین چند ماه پیش در بندرانزلی بندرلنگه و بندرعباس بوجود آمد و مردم آنجا پیا خواستند یا شما دیدید که چگونه مردم دلیر تبریز پیا خواستند . اگر چه حکومت خواست این مبارزات را به نیروهای مرتجع منسوب کند و یا بعضی نیروهای فرصت طلب از جمله این کسانی که نام سازمان ما را به دروغ روی خود گذاشته اند ، مبارزات مردم را محکوم کردند تا مقرب دستگاه دولتی شوند ، همه ما می دانیم علی رغم اینها این خود مردم دلیر تبریز بودند که بخاطر رهایی از ظلم و ستم حکومت پیا خواستند . آری کسانی که به لباس دوست ما درآمده اند و مبارزات قهرمانانه خلق ما را بشکست کشانده اند . ما به این شکست اعتراف می کنیم ولی هیچوقت از آن نتیجه نمی گیریم پس دیگر نباید مبارزه کرد ، نه هرگز این فقط دشمنان هستند که می خواهند مردم را از مبارزه مأیوس کنند .

ما می گوئیم راه پر افتخار چریکهای فدائی خلق را ادامه خواهیم داد راهی که رفقای شهید ما از جنگلهای سیاهکل آغاز کردند . راه چریکهای فدائی خلق بسیار روشن است . بعضی ها می خواهند به بهانه اینکه رژیم شاه سقوط کرده راه ما را تمام شده قلمداد کنند ولی چنین نیست چون ما از همان اول که مبارزه مسلحانه را در ایران آغاز کردیم می دانستیم که دشمن اصلی ما امپریالیسم است و شاه نوکری پیش نیست ، از اینرو تا زمانی که سلطه امپریالیسم از ایران بر نیافتاده راه چریکهای فدائی خلق ادامه خواهد داشت . حال اگر شرایط از نظرهایی فرق کرده ، ما هم فقط از نظرهایی تا کتیک مبارزه مان را تغییر میدهیم ، مثلاً اگر تا

دیروز از آنرو دست به سلاح می بردیم که مردم را به مبارزه بکشانیم و راه واقعی مبارزه را به آنها نشان دهیم ، امروز که توده های مردم خود پیاخواسته اند . راه چریکهای فدائی خلق به این صورت است که در جایی که مردم به مبارزه مسلحانه برخاسته اند آن مبارزات را سازمان داده و به پیش ببریم و در جاهایی که مردم فریب سیاستهای مکارانه رژیم را خورده اند دردها و آلام زندگی را به امید يك آینده واقعی تحمل می کنند ، با افشاگری های همه جانبه و با ارتقاء سطح مبارزه مردم به آنها نشان دهیم که راه واقعی مبارزه همانست که خلق کرد ، دلیرانه درگیر آنست . بنابراین شعار ما این است « پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها » (پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها) . آری شعار ما اینست پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها . حالا اجازه بدهید این قسمت از سخنانم را تمام کنم . ترتیب این سخنرانی از طرف رفقای من یعنی چریکهای فدائی خلق فرصتی پیش داده که با اجازه از شما می خواهم سخنی هرچند کوتاه در مورد مبارزات خلق دلیر کردستان بگویم ، تاریخ مبارزات حق طلبانه مردم نشان داده است و پس از این نشان خواهد داد که اولاً هرگاه خلقی عزم به مبارزه کند راهی سخت و طولانی در پیش دارد . دشمن با تمام نیرو مقاومت خواهد کرد . از تمام امکانات و وسایل لازم استفاده خواهد کرد ؛ با مکر و حيله با زور قلدری کوشش خواهد کرد تا هم آن نیروی انقلابی را درهم بشکند و هم عزم انقلابی آنرا خورد کند ؛ ولی تاریخ در مقابل این چیز دیگری را هم نشان داده است و آن اینکه هرگاه خلقی عزم به رهایی کند ، دشمن علی رغم تمام کوشش خود ، علی رغم تمام فتنه گریهایش باز قادر به شکست این خلق نخواهد شد . نمونه های تاریخی زیادی در تأیید این گفته وجود دارد ، به

مبارزات حق طلبانه و رهایی بخش خلق چین نگاه کنیم آنها بیست سال با امپریالیستهای بزرگ و کوچک زمان خود جنگیده اند و بالاخره پیروز شدند . یاهمین خلق ویتنام را نگاه کنیم ؛ امروز دیگر شرح قهرمانی های آنها در شعارهای توده ای هم رفته است . وقتی توده های مافریاد می زنند : امریکا تو خالیست ، ویتنام گواهی است . در واقع این حقیقت را بیان می کنند که يك ملت كوچك توانست بزرگترین امپریالیسم جهانی را به لرزه در بیاورد . امریکا در آنجا ارتش ۴۰۰/۰۰۰ نفری پیاده کرد ولی نتوانست در مقابل اراده خلق مسلح ویتنام ایستادگی کند . یا همین کردستان خودمان را در نظر بگیریم می بینیم که چگونه دشمن با ارتش خود . با پاسداران مزدورش ، با توپ و تانک خود و با تمام امکانات و وسائل لازم به این خلق حمله کرد . واقعاً خلق کرد چه داشت ؟ نه به اندازه دشمن توپ و تانک داشت و نه افسر و کادر ورزیده ، اکثر کادرهای آنها ، افسران آنها ، دوره دیده های امریکا و اسرائیلند . آنها آمدند کشتند ، جنایت کردند . اینرا دیگر شما بهتر از من می دانید ، حتماً در میان شما بازماندگان شهدا حضور دارند . آنها پی در پی اعدام کردند . برای چه ؟ چون می خواستند عزم انقلابی خلق کرد را درهم بشکنند و این خلق را سرکوب و سپس مغلوب کنند ولی نتوانستند آنها خلق کردستان را که امروز دیگر نسل پایداری و مقاومت ملی در میهن ماست از پای در آورند چرا ؟ چون خلق کرد در عوض چیزهایی داشت که آنها نداشتند . اولاً در جنگ حق به جانب خلق کرد بود . ثانیاً خلق کرد از خود شهامت و رشادت نشان داد و دست به مبارزه مسلحانه زد . یعنی نشان داد که وقتی عزم بهر هائی کرد از هیچ مشکلی هراس ندارد . (ارتجاع تو خالیست کردستان گواهیست) . همه مردم می دانند که پیشمرگان خلق کرد چگونه در يك جنگ نابرابر

دشمن را رسوا کرده‌اند اگر چه نتیجه قطعی جنگ روشن نشده اما يك چیز روشن است و آن اینکه دشمن به واسطه همین جنگ رسوا شده . خلیجی این مأمور اجرائی سیاستهای امپریالیستی (مرگ بر خلیجی) مرگ بر خلیجی ، مرگ بر چمران . خلیجی این مأمور سیاستهای امپریالیستی با کشت و کشتاری که در کردستان براه انداخت ؛ شمه‌ای از ماهیت رژیم را به نمایش گذاشت . اکنون بخشهای زیادی از مردم سراسر ایران و جهان این اعمال آنها را محکوم می‌کنند و بخشهای دیگر که هنوز فریب سیاستهای آنها را خورده‌اند ؛ دیر یا زود در رابطه با مسائل دیگر مطلع شده و آنوقت نیرنگ‌ها و دروغهای رژیم برملا خواهد شد .

رژیم بر سر برخی از دهکده‌های کردستان بلائی آورد که شبیه کشتارهایی است که امریکاییها در ویتنام و اسرائیلی‌ها در فلسطین کردند . یادم هست يك جایی خواندم که در همین ویتنام يك افسری به يك دهکده رفت و مردم آنجا را از پیر و جوان ، زن و بچه قتل عام کرد ، بعد این مسئله افشاء شد و فشار آنقدر زیاد شد که امریکا مجبور شد افسر خود را محاکمه کند . حالا من از شما می‌پرسم جنایتی که در « فارنا » اتفاق افتاد چه فرقی با این کشتار دارد ؟ آنجا يك دولت خونخوار سفاک و جنایتکار مثل امریکا که ابائی ندارد به خونخوازی خود افتخار می‌کند می‌آید افسر را برای حفظ ظاهر هم که شده محاکمه می‌کند ولی این جا انگار نه انگار که جنایتی روی داده این وابستگان به امپریالیسم حتی برای مدتی صدایش را هم در نیاموردند . آنها به مردم می‌گویند این برادران کرد نیستند که با ما می‌جنگند ، بلکه سرسپردگان رژیم سابق و ساواکی‌ها هستند . البته دیدیم چگونه مجبور شدند با کسانی که اتهام ساواکی به آنها زده بودند سر میز مذاکره بنشینند . آنها

می‌خواهند مردم را از رسیدن به حقیقت بازدارند و نگذارند مردم به حقیقت امر دست پیدا کنند ، ولی تاریخ این را هم نشان داده است که بالاخره مردم خود را از قید فریب و نیرنگ رها خواهند کرد . به هر حال می‌خواستم بگویم هیچ خلقی بدون دادن خون ، بدون آنکه سرسختانه تا پای جان مقاومت کند نمی‌تواند به پیروزی برسد . اما فداکاری و از خود گذشتگی يك طرف قضیه است ، یکی از عوامل مهمی که در پیروزی هر خلقی دارای اهمیت درجه اول است ، رهبری درست و انقلابی است ؛ رهبرانی که واقعا غم توده‌ها را بخورند و هیچوقت حاضر نشوند برای منافع شخصی و تنگ نظری های خود توده‌ها را وجه المصالحه قرار دهند . اگر خلقی فاقد چنین رهبری باشد هرچقدر هم فداکاری کند ؛ هرچقدر هم از خود گذشتگی کند ، باز نمی‌تواند شاهد پیروزی باشد .

بنابراین در این مقطع حساس از مبارزه خلق کرد که دشمن دست به نیرنگ‌های زیادی می‌زند هوشیاری و دقت عمل رهبری بسیار مهم است . دشمن سعی می‌کند با ایجاد تفرقه و نفاق در بین خلق کرد آنها را از رسیدن به هدفهای خود باز بدارد . مثلا آمد گفت مذاکره ، بعد از آن مدام این دست و آن دست کرد . بعد خود مختاری را به خود گردانی تبدیل کرد و بالاخره کارهایی دیگر از این قبیل . مسئله مذاکره زمانی مطرح شد که رژیم در وضع بدی قرار گرفته بود ، اولاً مردم نقاط دیگر هم از این جنگ نفرت پیدا می‌کردند و از طرفی دیگر رژیم متحمل شکستهای زیادی شده بود . اینجا بود که گفتند مذاکره ، من فعلا در مورد این موضوع زیاد صحبت نمی‌کنم . مذاکره فی نفسه کار بدی نیست البته همیشه هم کار خوبی نیست . این بستگی به شرایط اوضاع دارد . ولی يك چیز را می‌گویم و روی آن تأکید دارم و آن اینکه خلق کرد

باید هوشیار باشد خود را قوی کند ، و به تدارکات لازم بپردازد و همانطور که دشمن دارد در حین مذاکرات سربازگیری میکند ، نیروهایش را تعلیم می‌دهد و تجدید قوا می‌کند . خاق دایر کرد هم باید آماده باشد تا بتواند در مقابل یورش مجدد حکومت ایستادگی کند .

حساب دو. دو تا چهار تا است . اگر قرار است این خلق به خواسته‌های خود برسد ، هم خود خلق کرد و هم کسانی که این خلق را در حال حاضر رهبری می‌کنند نباید بمذاکره دلخوش کنند و اجازه دهند ارتجاع آنها را فریب دهد . مبارزه طبقاتی برای خود قانونمندی‌های دارد . دشمن هیچوقت نمی‌آید حقوق مردم را دو دستی تقدیم کند . از قدیم و ندیم گفتند حق گزرفتنی است نه دادنی . بنابراین يك رهبری انقلابی باید توده‌ها را هرچه بیشتر تربیت سیاسی کند ، اهداف مبارزه و چگونگی نیل به آن را بیان نماید ، هر چه بیشتر توده‌ها را متشکل سازد و هر چه بیشتر و گسترده‌تر توده‌ها مسلح نماید . تنها در سایه تشکل و قیام است که خلق کرد می‌تواند به آزادی برسد و به حقوق حقه خویش برسد . اگر که رهبری به این عوامل توجه نکند در این امر کوشا نباشد و تمام هم و غم خود را مصروف آن ننماید ، علی‌رغم این همه فداکاریها و علی‌رغم فرصتهای موجود خلق کرد نمی‌تواند به آزادی برسد . البته همه شما می‌دانید ، همه می‌دانیم که آتش را دولت برافروخت با بهانه‌های مختلفی این جنگ را برپا کرد ولی بعضی‌ها می‌خواهند اینطور جلوه دهند که گویا يك جناحی که قبلا سرکار بود این جنگ را برپا کرد و جناحی که اکنون حاکم است و در رأس آن هم خمینی قرار دارد خواهان این جنگ نیست آنها می‌خواهند اینطور جلوه دهند که خمینی هم مثل خلقهای زحمتکش ما ضد

امپریالیست است . درحالی که مردم ایران می دانند همه مامی دانیم که اینها فریبی بیش نیست . همه می دانند همان هنگام که جنگ در کردستان شروع شد ، این شخص خمینی بود که فرمان جنگ صادر کرد ؛ فرمان جهاد داد و خودش هم گفت من فرمانده کل قوا هستم . (ارتجاع نابود است خلق کرد پیروز است)

تازه باید از اینها پرسید اگر واقعاً این جناحی که به - اصطلاح اکنون حاکم است که می خواهد مسئله کردستان را از طریق مسالمت آمیز حل کند اینهمه معطل کردن برای چیست ؟ چرا کار را یکسره نمی کنند ؟ فقط يك دليل دارد و آن اینکه این حکومت نمی خواهد حقوق حقه خلق کرد را به رسمیت بشناسد . چون این حکومت وابسته به امپریالیسم است . حکومتی که وابسته به امپریالیسم باشد هرگز نمی خواهد و نمی تواند حقوق حقه خلقهای ایران را تأیید کند ؛ به هر حال ما ایمان داریم که خلق دلیر کرد درمقابل تمام دشمنان خواهد ایستاد . و دوستان واقعی خود و دشمنانش را در هر لباسی که باشند خواهد شناخت .

* در اهتزاز باد پرچم خونین چریکهای

فدائی خلق ایران

* پیروز باد رزم دلاورانه قهرمانان

سیاهکل

* جاودان باد یاد تمام شهیدان به خون

خفته خلق

* مرگ بر اپورتولیس

* مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیرش

با ایمان پیروزی را همان

« چریکهای فدائی خلق »

تکثیر : هواداران چریکهای فدائی خلق
« رشت »